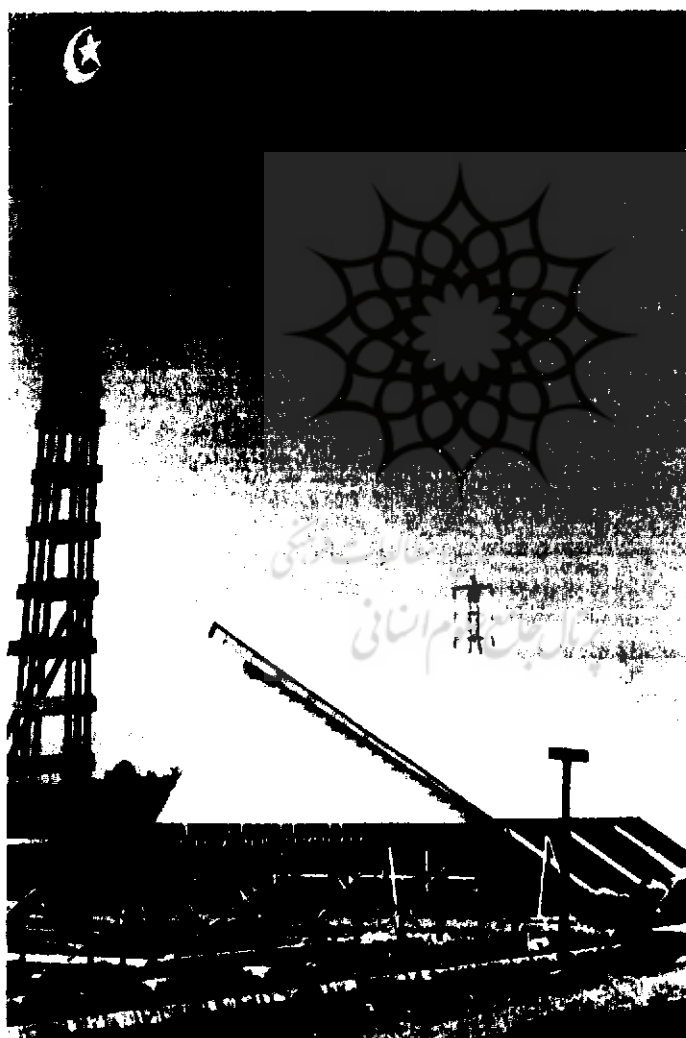


مسجد

در جوامع اسلامی معاصر

آلگ گرابار

ترجمه حسین نجفی برزگر



فقدان حس زیبایی‌شناسی در این‌گونه مساجد مدرن و کم‌هزینه، در نزدیکی جاساکارها در اندونزی به خوبی حس می‌شود.

البته این امکان وجود دارد که این تغییرات، به تغییرات تأسفباری تأویل شوند که می‌تواند اصالت بی‌نظیر هر بنایی را از بین ببرد. گرچه امروز عده‌ای فضای داخلی مسجد جامع قرطبه را تحسین می‌کنند اما آخرین طرح توسعه‌ای که در قرن دهم انجام شد، به گونه‌ای تأسفبار، تقارن را در ترکیب اصلی فضای داخلی آن، از بین بُرد. البته از بعضی جهات، این تغییرات پذیرفتنی هستند. مثلاً بر اساس حقایق دیرین تاریخی، می‌توان استنباط کرد که صنعت‌گران و طراحان قدیمی، اصولاً به خود اجازه نمی‌دادند تا طرح، یا تغییری نازیبا پدید آورند. مسجد جامع اصفهان به جهت وجود هم‌آهنگی خاص در ابعادش و نیز کار هنرمندانه و باشکوه انجام‌گرفته روی نمای آجری حیاط و ایوان‌های باعظمتش، مورد تمجید و تحسین قرار می‌گیرد. بر اساس تاریخ تفصیلی این بنا که مربوط به چندین قرن قبل است، می‌توان چنین فرض کرد که طرح اصلی برای حیاطی با چهار ایوان وجود داشته که نظمی بصری را در مسجد پدید می‌آورده است. زمانی در اصفهان، ساختار تازه و موفق در معماری ابداع شد که حتی تا به امروز نیز از آن به‌عنوان خلاقیتی که اصول معماری را تحت‌تأثیر قرار داده یاد می‌شود. چنین ابداهاتی، تجدید بناها را سرعت بخشید البته گاهی در مواردی هم چون قرطبه، آنچه به‌عنوان تغییری لازم مطرح شد، از سوی عده‌ای از صاحب‌نظران به‌عنوان عامل تخریب‌کننده اصالت اثر، تفسیر گشت.

تاریخدان شیفته بنا و کارهای هنری است. او مایل است هر نامی را، به‌جز نام بانی بنا و یا معمار آن و یا صنعت‌گرانی که در ساخت آن دست‌اندرکار بودند، به فراموشی سپارد. او تنها کسانی را که امضا یا نام‌شان بر پای اثر ثبت شده و در دسترس است مورد توجه قرار می‌دهد. تغییرات ضروری در یک فرهنگ پویا، اموری بسیار مهم‌اند. برای مثال همان‌طور که قبلاً اشاره شد، می‌توان به قرطبه یا مسجد اصفهان اشاره کرد که در

وقتی یک مورخ هنر اسلامی، به بررسی یکی از اعصار مورد نظرش، که در آن مسجدهایی رونق داشت، می‌پردازد، با وقتی در میان کتاب‌ها و اسناد قدیمی، به بنایی مذهبی و معروف برمی‌خورد، یا وقتی شبستانی اسلامی و قدیمی را برای اولین بار کشف می‌کند، معمولاً در وهله اول، دو نوع واکنش از خود نشان می‌دهد: اول آن‌که تمام ویژگی‌های بنا را که حقیقتاً اصیل و متعلق به زمان ساخت مسجد است، دقیقاً بررسی می‌کند و می‌کوشد تا ساختمان را به همان شکل زمان افتتاحش، در ذهن مجسم کند؛ و دوم آن‌که با دیدن خسارت‌های وارد بر بنا که ناشی از گذشت ایام و یا بی‌توجهی مردم است، دچار غم و اندوه می‌شود و از دیدن تزکی دیوارها، تعمیرات غیر اصولی، طرح‌های تزئینی که بعدها به بنا اضافه شده‌اند و یا افزودن هر چیز دیگر که اصالت اثر را از بین می‌برد، متأثر می‌گردد.

برخلاف انسان که در زمان تولد کاملاً مورد توجه اطرافیان است و در زمان بلوغ خصوصیتانی، ذاتاً ستودنی دارد و در دوران پیری هم مورد توجه و احترام دیگران قرار می‌گیرد، از نظر تاریخ‌نویس، ساختمان تنها در زمان ساختش مورد توجه است و پس، از این‌رو، برای مثال، از نظر آن‌ها حین آماده‌کردن طرح‌ها و نقشه‌ها برای افزودن چیزهای تازه به آن بنا، هر چیزی دیگر در ساختار بنا، خودسرانه قابل حذف است. گویی چیزی بی‌ارزش است و هرگز هم ارزشی نداشته است و

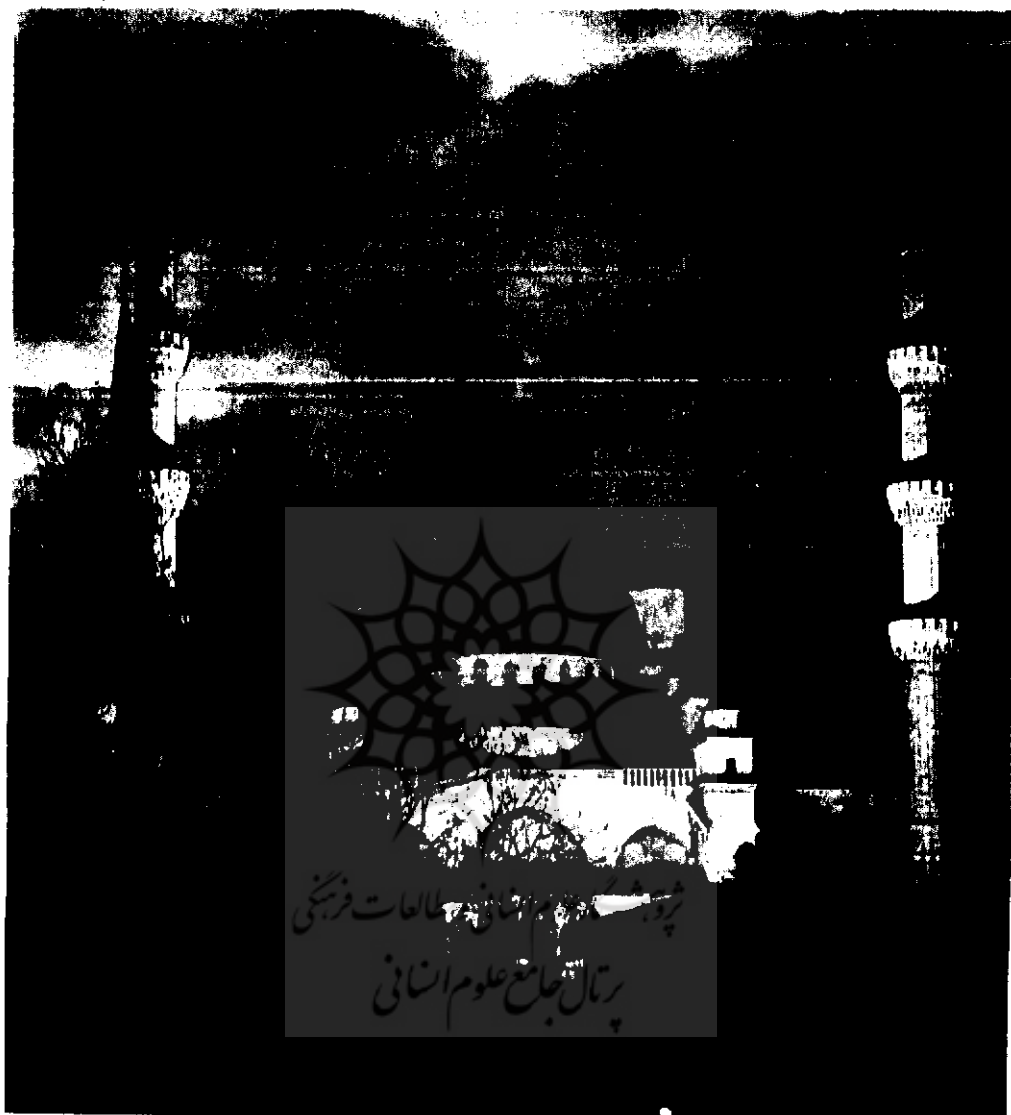
ساخته‌اند یا کسانی که با آن زندگی می‌کنند، نیست. دلیل دوم جالب توجه‌تر و مهم‌تر است. در مقایسه با انواع مختلفی از بناها، هم‌چون مدارس، خانه‌ها، هتل‌ها و فروشگاه‌های عصر حاضر، در ارزشیابی مساجد مدرن، ابتدا مجبوریم تا وضعیت کنونی آن‌ها را بررسی کنیم و سپس به تأثیر ادوار گذشته بر ادراک شخصی ما در رابطه با این آثار، پردازیم. گذشته، بر ادراک امروز ما از مساجد مدرن، چه تأثیری دارد؟ و چه ویژگی‌هایی در مساجد مدرن باید رعایت شوند تا مطابق با انتظارات کنونی ما باشند؟ در این جا قصد بر آن است تا به این دو پرسش کلی پرداخته شود.

حضور دوران گذشته در عصر حاضر

احساسات مذهبی در اشخاص مختلف، متفاوت است. رویدادهای عظیم مذهبی در عصر حاضر، با آرای گوناگونی که در قرون گذشته مطرح بودند، مرتبط‌اند. سلوک مذهبی امروز، با سنن مقدس قرون گذشته پیوند یافته است. شیوه‌های بحث درباره مسایل مذهبی، بخشی از یک میراث ریشه‌دار و دیرپا هستند و الگوی رفتار کسانی محسوب می‌شوند که پیروان ادیان الهی‌اند. این شیوه‌ها و الگوها، با گذشت زمان، رسمی و مقدس شده‌اند. از شرایط لازم برای عبادت، یکی وجود مکانی اختصاصی برای عبادت است و عقیده بر آن است که مکان مناسب برای عبادت اجداد یک فرد، قاعدتاً برای خود آن فرد نیز مناسب است. و دگرگونی ساختار ظاهری محل عبادت گاه‌ها با انتقادهایی روبه‌رو می‌شود. برای مثال، به یاد می‌آورم که چطور معماری حساس و فرهیخته، هم‌چون «حسن فتحی» فقید انتقادهای زیادی را به بنای نمازخانه زیارتی تُتردام وارد می‌دانست. بنایی که بسیاری، آن را شاهکاری در معماری می‌دانستند. استدلال او این بود که طرح این کلیسا، از قُرم‌های سنتی وابسته به کلیسای رومی، دور شده است. ظاهراً بحث اصلی این است که سابقه تاریخی، وقتی معتبر تلقی

آن‌ها، تغییراتی بر اساس سلیقه پدید آمد. تغییراتی که در ساخت مسجد عثمانی هم قبلاً در قرن شانزدهم، دیده شده بود. قرنی که در آن سبکی کاملاً کلاسیک و اغلب برگرفته از باروک و روکوکو و حتی نئوکلاسیک رعایت می‌شد. یقیناً استفاده از بلندگو، ضبط صوت، لامپ نئون و یا انواع دیگر وسایل برقی، دید و برداشت ما را در مورد شکل داخلی و خارجی مساجد تغییر داده است. مثلاً، گرچه فضای داخلی مسجد سلیمانیه در استانبول هم چنان به صورت مکان عبادت و نیایش باقی مانده است، اما درخشش نمای بیرونی آن به یکی از نماهای خارق‌العاده بصری شب‌های این شهر، تبدیل گشته است. احتمال آن‌که چنین پیشرفت‌هایی به عنوان پدیده‌ای غیرقابل توجیه تلقی شوند، ضعیف است و حتی اگر به این کاربردها اعتراض هم شود، چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. چرا که در واقع، به تکنولوژی اعتراض شده است که باعث این پیشرفت‌ها بوده و در این صورت، باید اختراع اتومبیل و هواپیما را نیز که نتیجه همان تکنولوژی است، تأسف‌بار نامید.

این مقدمات را بیان کردم تا بگویم، تاریخ‌دانی که به‌سادگی می‌تواند هر لحظه تاریخ گذشته را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد، همواره آن نوع خاص ذکاوت منتقدانه و یا ملاک عقلی و حسی را دارا نیست که بتواند از عهده درک گسترش پویای فرهنگ، برآید. مشکلات برای او، زمانی پدید می‌آیند که به موضوع مساجد معاصر می‌پردازد. مشکلاتی که به دو دسته تقسیم می‌شوند: اول آن‌که در بررسی مساجد معاصر، باید با افراد مختلفی وارد بحث شود. از یک‌سو کسانی که ساخت، تزیین و... مسجدی را بر عهده داشتند و از سوی دیگر کسانی که در مسجد عبادت می‌کنند. حضور این افراد، هم به‌صورتی فیزیکی و هم از خلال اسناد و خاطرات معدود افراد کهنسالی که هنوز زنده‌اند، حس می‌شود. بنابراین، ساختار مساجد معاصر، برخلاف پیش‌تر مساجد تاریخی، بی‌ارتباط با کسانی که آن‌ها را



می‌شود که میراث به‌جامانده از آن دوران تاریخی، ذاتاً مفید فایده و خوب باشد و نمی‌توان صرفاً به جهت قدیمی بودن چیزی، آن را مفید یا خوب نامید. و نیز می‌توان اضافه کرد که فعالیت‌های مذهبی، هم‌چون آموزش در زمینه آداب و رسوم دیرینه عبادت که قرن‌ها ادامه داشته، بهتر از هرکجای دیگر می‌تواند در

مسجد سلطان، استانبول، نورافشانی آن در شب، نوعی حس بصری را ایجاد می‌کند که با روح مسجد به‌عنوان مکانی برای عبادت، ارتباطی ندارد.

مثال‌هایی از استفاده از بلندگو جهت فراخوانی مؤمنان به نماز.

به‌انجام رسید. مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده مسجد، با توجه به مجموعه‌قوانین ثابت اخلاقی و رفتاری شکل می‌گرفتند؛ قوانینی که نتیجه وحی الهی بودند و بحث در مورد آن‌ها جایز شمرده نمی‌شد و برای اداره زندگی همه مسلمانان به‌کار می‌رفتند.

در آن زمان هیچ شکل ثابتی برای هیچ‌یک از این مؤلفه‌ها، تعیین نشده بود، گرچه برای بعضی از اجزا طرحی خاص از سوی همگان پذیرفته شده بود. مثلاً محراب در واقع یک گاو دیواری و منبر یک شیوه پله‌گذاری سنتی محسوب می‌شد. نظم چشم‌گیر فضای داخلی در ابتدا، به سیستم پُرس‌تونی مشهور بود که در آن تعداد زیادی تیرهای عمودی با آرایش یک‌نواخت، در زیر سقفی قرار می‌گرفتند؛ با گذشت زمان، سایر سیستم‌های رسمی نیز معرفی شدند از آن جمله حیاطی با یک تا چهار ایوان و یک گنبد بزرگ مرکزی در مجاورت آن. قُرم‌ها در طول قرون، تعدیل می‌شدند و هر قُرم در واقع انعکاسی از شیوه‌های رایج محلی و مرام‌ها و باورهای مردم، در سرزمین‌های گسترده اسلامی بود؛ زیرا قُرم‌ها، برخلاف وظیفه‌شان که همواره ثابت بود، به‌صورتی مطلق، بخشی از یک مجموعه قوانین اولیه

محیط‌های آشنا، صمیمی و دوستانه دنبال شوند. بحث در این سطح، تقریباً از سوی همه مذاهب پذیرفته شده است.

در قرن اول هجری، بخش‌های اصلی تشکیل‌دهنده و سازنده یک مسجد، که عبارت بودند از فضایی وسیع، محراب، منبر، حیاط‌های معمول که گاه با فضاسازی‌های زیبای داخلی همراه بودند، مکانی برای وضو، محلی مناسب برای اجتماعات و تشریفاتی خاص برای فراخوانی نمازگزاران، از سری عموم مسلمانان پذیرفته شدند. با توسعه‌هایی که در زمان پیامبر اسلام (ص) در مدینه و یا دهه‌های بعد به‌وقوع پیوست، این اجزا هم‌چنان، معیارهای لازم برای محل اجتماع مسلمانان را تشکیل می‌دادند. در این قرون اولیه، تمامی فعالیت‌های گروهی در هر مکان، در جهت رفع نیازهای خاص در رابطه با محل عبادت بودند. فعالیت‌هایی که گاه به‌صورتی تصادفی هم‌سو می‌گشتند و گاه برای رسیدن به هدفی خاص به‌صورتی هم‌آهنگ پی‌ریزی می‌شدند. شناسایی نیازها، در ارتباط با مسجد و نمازگزار، در سرزمین‌های مهم اسلامی (هم‌چون مصر و شبه‌جزیره عربستان)، در دهه‌های نخستین هجری

دایمی که با ایمان مسلمانان پیوند خورده باشند، نبودند. در مورد محیط پیرامون مناره‌ها مسئله‌ای نه‌چندان مهم قابل طرح بود. همه مدارک به این واقعیت اشاره می‌کنند که برج‌هایی که امروزه با فراخوانی نمازگزاران مرتبط‌اند، به‌صورتی سیستماتیک، تا قبل از قرن ۱۵ پدید نیامده بودند. و وظیفه اصلی آن‌ها، در ابتدا صرفاً محدود به برآوردن بخشی از آداب نماز نمی‌شد. برای مثال، مناره به‌عنوان راهنمایی که محل مسجد را نشان می‌داد و با هم چون یک نشانه مطرح بود.

از قرن ۱۲ به این طرف، بر اساس شیوه‌هایی که هنوز هم معتبر هستند، از سوی اکثریت قاطعی در دنیای اسلام، مجموعه‌ای از وظایف برای مساجد وضع شد که این قوانین تلویحاً به‌وسیله نسل‌های بعد از عصر پیامبر (ص)، مقدس شمرده شدند. علاوه بر آن مسجد، تقریباً در تمام جوانب زندگی، مرکز فعالیت‌ها قرار گرفت. فعالیت‌هایی که از تدریس تا تبادل اطلاعات و از عبادت تا استفاده از مسجد به‌عنوان سرپناه شبانه مسافران را شامل می‌شد گرچه هیچ نوع اجباری در رابطه با این فعالیت‌ها مطرح نبود.

در این‌جا موضوع دوم مطرح می‌شود و آن این است که برای هر اجتماعی، حفظ کردن شیوه‌های قدیمی، مطمئن‌تر و آسان‌تر از معرفی کردن تغییرات تازه است؛ چراکه ایمان موضوع اصلی و مشترک است و باید جلوی کشمکش‌های ناخواسته بر سر مسایلی که در درجه دوم اهمیت قرار دارند را گرفت.

عامل مؤثر دوم در اتصال به اشکال گذشته، جالب توجه‌تر است. از مراکش تا سنگال یا اندونزی و چین، مسئله درجه اول بعد از دوران مهاجرنشین، تأسیس کشورهای با هویت مستقل ملی و نمادهای هلنی این هویت، به‌خوبی نمادهای ضمنی آن بوده است. این مسئله جنبه‌های گوناگون دارد. اما بی‌تردید یکی از این جنبه‌ها، نحوه بیان هویت اسلامی، به‌صورت فردی، گروهی یا ملی است. در این مسئله

خاص، مسجد نقش اصلی را بازی می‌کند. در کشورهای مسلمان، یا مناطق جغرافیایی مسلمان‌نشین وجود مسجد یک ویژگی بسیار بارز است که اسلامی بودن آن کشور را اثبات می‌کند. در کشورهای غیر مسلمان، جایی که میلیون‌ها مسلمان در حال حاضر زندگی و کار می‌کنند، وجود مسجد حضور مسلمانان را در یک کشور غیر اسلامی، اعلام می‌کند و به‌عنوان «مأمّن» مؤمنین مطرح می‌شود. مخصوصاً با بهره‌گیری از ثروت عظیم تولیدات نفتی، تعداد مساجدی که توسط اشخاص متمول، به‌صورت وقفی ساخته می‌شوند، رو به افزایش نهاده است. به همان صورتی که مساجدی در سرتاسر قرون میانه گسترش یافتند. این نوع مسجدها سازی نه تنها در کشورهای زادگاه بانیان مساجد، بلکه در دیگر کشورهایی که این افراد برای زندگی یا تفریح برمی‌گزیدند نیز دیده می‌شد. برای مثال، می‌توان از مساجد سعودی ساخته شده در مناطق مرتفع لبنان، جایی که به‌منظور گذراندن تعطیلات استفاده می‌شود، نام برد. در حال حاضر، این اماکن برای عبادت در سنگال، کویت، عراق، مالزی، پاکستان (در اسلام‌آباد) و اندونزی، یا ساخته شده‌اند یا به‌صورت طرح‌های عظیم ملی و منطقه‌ای مسجدها سازی، در دست ساخت‌اند و در شهرهای اروپا یا آمریکا که جمعیت نسبتاً بزرگی از مسلمانان را در خود جای داده‌اند، ساخت مساجد تازه با تغییر دادن ساختمان‌های موجود، به‌صورتی که قابل استفاده به‌عنوان مسجد باشند، به‌صورت امری قانونی مطرح شده است.

تقریباً همه این مثال‌ها، رابطه با گذشته را نشان می‌دهند که برای تاریخ‌دان بسیار جذاب است. مساجد جدید که فرمی برگرفته یا تقلیدی از ۴ یا ۵ نیپ سنتی محسوب می‌شوند، بعد از فرم‌های قدیمی، دارای درجات متفاوتی از موفقیت هستند. در این‌جا چند استثنای جزئی وجود دارد که معدها بیش‌تر به آن‌ها خواهیم پرداخت (هم‌چون مساجدی که ساخته نشدند

اما به‌عنوان پروژه‌هایی در مجلات تخصصی مطرح گشتند). در بعضی مناطق، به‌خصوص در خاور دور، پیشینه تاریخی مبسوطی در مهندسی عظیم اسلامی نمی‌توان یافت. کار آن‌ها اقتباسی از فرم‌های سنتی است؛ با این‌همه در این نقاط تغییرات زیادی در فرم‌های ساده سنتی پدید می‌آید که این تغییرات گاهی به‌صورت ساده‌شدن و زمانی به‌صورت اغراق‌آمیز با تزئینات لوکس انجام می‌شوند. به‌نظر می‌رسد شمایل دیرپای اسلامی که با عبادت جمعی پیوند خورده‌اند، در محیطی سنتی که قرن‌ها در این‌گونه محیط‌ها اجرا می‌شدند، با سهولت بیش‌تری انجام می‌شوند. طبیعی است که فرض کنیم اجرای فعالیت‌های عبادی به شکل دیرین آن، از نظر عبادت‌کنندگان، بهترین و با‌معناترین عبادت‌هاست آن‌هم زمانی که در یک محیط سنتی انجام پذیرد. توجه به این نکته که علی‌رغم تغییرات در محیط خارج از مسجد محیط عبادت و اجتماع مسلمانان، به‌صورتی بی‌تکلف باقی مانده است و حقایق ابدی و ازلی به همان صورت سنتی، در محیطی که خود سمبل ابدیت است، هم‌چنان مطرح‌اند، برای مؤمن، نوعی آرامش روحی را پدید می‌آورد.

با سفرها و مهاجرت‌ها در سطح جهان، تعداد مسلمانان روزه‌روز زیاده‌تر می‌شود و به جهت مهاجرت‌های دایم یا موقت، مسجد بر زندگی فردی و خانوادگی تأثیر می‌گذارد. مسجد، با گنبد و مناره سنتی‌اش، به‌عنوان خانه آرامش‌بخشی در میان انبوه بناهای ناآشنای پیرامون، مطرح می‌گردد و از این‌رو، روان‌شناسان رفتار مذهبی، به‌عنوان بهترین توضیح، به این جنبه‌های واقعی اشاره می‌کنند که به مؤمن کمک می‌کند تا آرامش جسمی و روحی را حس کند.

انتظارات برای عصر حاضر

شناسایی انتظارات جهان مدرن از فرم مسجد مشکل‌تر از توضیح دادن درباره جذابیت‌های مسجد در گذشته

است. وظیفه ما در قبال این مسئله، زمانی مشکل‌تر می‌شود که بدانیم آینده، بازتاب رؤیاهای و آرزوهای هم‌عصران ما است، به‌خصوص آرزوهای نسل جوان، که سرنوشت جهان آینده را در دست دارند. در این جا سعی می‌کنیم تا به‌طور خلاصه، موضوعات اصلی و انتظاراتی را که جهان امروز در رابطه با آینده تدوین می‌کند، جداگانه شرح دهیم.

در ابتدا به موضوع نسبتاً کوچکی می‌پردازیم. یک تغییر ظریف، در رابطه با استفاده از مسجد به‌وقوع پیوسته است. در بیش‌تر کشورهای اسلامی، آموزش و بسیاری دیگر از وظایف اجتماعی مساجد سنتی، (به‌جز در مورد بعضی مساجد) به دولت واگذار شده است. در کشورهای غیر اسلامی امکانات آموزشی از مجموعه مسجد جدا شده است. در سیستم آموزشی حکومت غیر مذهبی، مسجد کانون آموزش‌های رسمی دینی می‌شود و بیش‌تر مساجد، به‌جز در سطح مقدماتی، در همین چارچوب فعالیت آموزشی دارند. این دلیلی است برای حرکت مساجد به‌سوی هرچه ساده‌تر شدن و ساده‌تر عمل‌کردن و تبدیل شدن به مکانی مذهبی، مذهبی‌تر از آنچه در گذشته بودند و این به‌نوبه خود استفاده تازه‌ای از مساجد را مطرح می‌کند یعنی مسجد، به‌عنوان مکانی برای بیان شعارهای سیاسی و تبلیغی برای مؤمنان گردد آمده در نماز جمعه مطرح می‌گردد.

توده‌هایی که بر اساس ایمان‌شان متحد می‌شوند، انسجام بیش‌تری دارند و مسجد نقش مهمی در این انسجام بر عهده دارد. صرف‌نظر از این استفاده خاص از مسجد، نکته مهم‌تر، دگرگونی مسجد از یک مکان صرفاً اختصاصی برای نمازگزارانی که فقط به ادای فریضه مشغول‌اند، به مکانی با حال و هوای تقدس و پارسایی است.

موضوع عمده در عصر حاضر، تغییر نگرش‌ها است که منتج از پیشرفت‌های تکنولوژیکی می‌باشد. پیشرفت‌هایی که در نیمه دوم قرن بیستم هر روز زندگی

را بیش از پیش تغییر می‌دهند. این ابداعات اخیر، در گسترش زمینه‌های هنری نیز دخالت کردند و عمدتاً به نام نوگرایی (مدرنیسم) شناخته شدند. رابطهٔ قُرم مساجد با این روند تازه چیست؟ هیچ چیز در مبانی اسلام، مانع استفاده از آخرین متدهای ساختمانی و طرح‌های مدرن برای ساختن مسجد نمی‌شود و با گذشت قرن‌ها هیچ مورّخی هم نمی‌تواند ثابت کند که در گذشته منعی در این زمینه وجود داشته است و خصوصاً وقتی اسلام در سرزمین‌های مالزی، اندونزی، چین یا آفریقای مرکزی معرفی شد ساخت مساجد، بی‌درنگ با رویه‌های ساخت بناهای محلی وفق داده شد. با وجود این، باقی‌ماندن پروژه‌های نوگرایانهٔ مساجد، روی میزهای طراحی را نمی‌توان یک تصادف دانست. جالب‌توجه‌ترین مورد، مسجد وِسروکو (۸۰-۱۹۶۷) نزدیک ساریو است که به‌دست مسلمانان و برای اجتماع اسلامی در جامعهٔ غیر مذهبی یوگسلاوی سابق ساخته شد.

در دهه‌های اخیر، استفاده از بلندگو، باعث افزایش بُعد شنیداری مراسم و نماز شده، دستگاه تهویهٔ هوا، نیاز به حیاط را در مناطق گرم از بین برده، ضبط‌صوت به‌همراه بلندگو توانسته جای مؤذن را بگیرد و سطح امنیت و حفاظت از سران دولت یا مقامات عالی‌رتبهٔ غیر مذهبی حاضر در مسجد، افزایش یافته است.

با وجود این، در بیش‌تر مساجد تازه، از مدرنیسم دوری شده است و هرکجا که آن‌گونه مساجد پدید می‌آیند، از آن‌ها با تردید به‌عنوان کار هنری یاد می‌شود. به‌نظر می‌رسد که حامیان مساجد تازه، دربارهٔ میزان پذیرش این‌گونه طراحی‌های مدرن در ساختمان‌های مذهبی، دچار تردید شده‌اند. در شهر کویت، ساختن یک مسجد عظیم، در ۱۹۸۴ به‌اتمام رسید در حالی که در جایی کاملاً منزوی از زندگی شهری و نزدیک قصر حاکم شهر واقع شده بود و بیش‌تر شبیه بنایی تاریخی بود تا مکانی برای عبادت و مجموعه‌ای برای

فعالیت‌های اجتماعی. در اطراف مسجد، گرچه فضای بزرگی برای ساختن راه ساختمان‌های اداری و بازرگانی در نظر گرفته شده بود، با این‌حال باز هم مساجد کوچکی که بازنایی از جامعهٔ سنتی مسلمانان بود در مقایسه، اعتبار بیش‌تری داشتند. مسلمانان با وجود تقسیمات قومی و مذهبی، به‌جهت وجود پیوندهای مشترک، گرد هم می‌آمدند و اجتماعات متمرکز را پدید می‌آوردند و مساجد قدیمی بیش‌تر، سمبل ایمان این اجتماعات اسلامی شدند تا مکانی اختصاصی برای آداب نماز، عبادت، مکاشفه و آموزش. درس همین‌تر از مثال کویت آن است که جنبه‌های زندگی مدرن هم‌چون رفت و آمدهای مرتب بین خانه و محل کار، تلویزیون و دیگر رسانه‌های گروهی، فروشگاه‌ها و نظایر آن، شیوه‌های سنتی رفتار و نحوهٔ تفکر بسیاری از مسلمانان را تغییر دادند. دیر یا زود مساجد مجبور خواهند بود تا با این روش‌های تازه وفق یابند و این به مهندسان معمار بستگی دارد تا قُرم‌های مناسب را به‌پروازانند و نظر معنفدان را در قرن بیست و یکم، نسبت به این طرح‌ها جلب کنند. در میان مساجد مدرن، من شخصاً مساجد کوچکی را در بخش‌هایی از شهرهای بنگلادش دیده‌ام و در بارهٔ آن‌ها مطالعه کرده‌ام. مساجدی که با پیوندهایی که با بافت بومی منطقه داشتند، از طرح‌های ساختمانی پُر زرق و برق، در شهرهای بزرگ، زنده‌تر و بانشاط‌تر بودند. شاید هم آیندهٔ ایمان مسلمانان بیش‌تر در اجتماعات منطقه‌ای باشد تا در اجتماعات مدرن شهری.